

## رابطه بین برخی از عوامل جامعه‌پذیری با رشد مشارکت ورزشی جوانان

شهرام شفیعی<sup>۱</sup>، محمدرضا برومند<sup>۲</sup>، کاظم هژبری<sup>۳</sup>، سهیل سلخی<sup>۴</sup>

دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۴؛ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۷

### چکیده

مشارکت در فعالیت‌های بدنی و درپیش گرفتن سبک زندگی فعال، تا حد زیادی به ماهیت ارتباطات اجتماعی و درونی کردن تجارب دیگران به خصوص افراد مهم بستگی دارد. از این‌رو هدف تحقیق حاضر، بررسی رابطه بین برخی از عوامل جامعه‌پذیری ورزشکاران جوان شهر رشت با رشد مشارکت ورزشی آنان از منظر جامعه‌شناختی و تربیت بدنی بوده است که از نوع توصیفی - پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل تمامی جوانان و نوجوانان ورزشکاران ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر رشت است (۵۵۸۰۷ نفر). نمونه آماری، تعداد ۴۰۰ نفر بودند که به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای (انتخاب رشته‌های ورزشی فعال) و تصادفی (انتخاب باشگاه‌های هر رشته و ورزشکاران) به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده، پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که روایی آن با استفاده از نظر ۱۰ نفر از اساتید تربیت بدنی دانشگاه گیلان تأیید شد و پایایی آن با روش ضریب آلفای کرون‌باخ، ۰/۸۸ به دست آمد. از آمار توصیفی، آزمون‌های کولموگروف - اسمیرنوف و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد کلیه ابعاد جامعه‌پذیری با توسعه مشارکت ورزشی رابطه مثبت و معنی‌داری دارند. مدل نهایی نتایج نشان داد وزن رگرسیونی سه عامل میزان ورزشی بودن اعضای خانواده، حمایت اعضای خانواده از ورزش کردن و اهمیت دادن مدرسه و معلمان به ورزش، به ترتیب برابر با ۰/۸۹، ۰/۸۰ و ۰/۶۲ است که بیشترین ضریب تأثیر را داشتند. با توجه به نتایج تحقیق به نظر می‌رسد حمایت‌های خانواده چه به صورت کلامی و یا مشارکت خود والدین در فعالیت‌های جسمانی، اثر مهمی در مشارکت ورزشی فرزندان داشته است.

**کلیدواژه:** هویت ورزشی، جامعه‌پذیری ورزشی، مشارکت ورزشی، حمایت اجتماعی در ورزش، ادراک ورزشکار.

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول). shafieeshahram@gmail.com

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. m\_boroumand@sbu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. Kazem\_hojabr@yahoo.com

۴. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد واحد آمل، مازندران، ایران. Ssalkhi@gmail.com

## مقدمه

در میان عوامل مطرح در فرایند مشارکت ورزشی افراد، مباحث مربوط به جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن، کانون توجه بسیاری از تحقیقات بوده است (شمسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۲). شنایدر (۱۹۸۷) معتقد است جامعه‌پذیری ورزشی عبارت است از فرایندی که طی آن کودکان و نوجوانان درگیر ورزش می‌شوند، نقش‌ها و الزامات آن را فرا می‌گیرند و آن را ادامه می‌دهند. ورزش و جامعه دارای الگوهای ارزشی و به اصطلاح «پیکربندی رفتاری» مشترک هستند. تحول و دگرگونی ورزش خارج از جامعه انجام نمی‌شود، بلکه توسعه آن در پیوند نزدیک با محیط اجتماعی تحقق می‌یابد، که کنش درون آن انجام می‌شود. در واقع ورزش بازتاب دهنده روابط اجتماعی جامعه است (هاشمی و مرادی، ۱۳۸۹: ۱۴۴).

مباحثی که با محوریت جامعه‌پذیری در حوزه ورزش مطرح می‌شوند طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند، اینکه چگونه بعضی افراد با علاقه فراوان به انجام فعالیت‌های ورزشی یا تماشای رقابت‌های ورزشی می‌پردازند، ولی دیگران چنین علایقی ندارند؛ چگونه عده‌ای خودشان را به عنوان ورزشکار می‌شناسانند و وقت و هزینه خود را صرف فعالیت در یک رشته ورزشی خاص می‌کنند و دیگران نیز آنها را به عنوان ورزشکار می‌شناسند. ورزشکار شدن دارای الزاماتی است که فرد باید علاوه بر توان بدنی، آنها را در جامعه فرا بگیرد. محققان معتقدند در فرایند ورزشکار شدن افراد، علاوه بر توانایی‌های فردی، امکانات و دسترسی به فرصت‌ها و عوامل جامعه‌پذیری (پدر و مادر، خواهران و برادران، معلمان، همسالان و برخی الگوها) نیز دخیل هستند (شمسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۳). برخی از پژوهشگران نیز اذعان نموده‌اند که نقش و اهمیت عوامل جامعه‌پذیری، بالاتر و با اهمیت‌تر از دیگر عوامل، از جمله استعداد و توسعه مهارت‌های ورزشی افراد برای شرکت در ورزش است (بیامون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۲۸۳). با وجود تفاوت‌ها و اختلاف نظرهایی که در مورد فرایند جامعه‌پذیری وجود دارد، در مورد عوامل مؤثر بر این فرایند، خانواده، دوستان و همسالان، مدرسه، مربیان و معلمان ورزشی و رسانه‌های همگانی اتفاق نظر بیشتری وجود دارد.

تحقیق‌های مختلفی به بررسی عوامل جامعه‌پذیری ورزشی آزمودنی‌ها پرداختند. وارکینز و شاین<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) در تحقیقی روی اعضای تیم ملی بسکتبال با ویلچرایالات متحده، به این



1. Esnyder
2. Beamon
3. Warkins & Shiness



نتیجه دست یافتند که همسالان این افراد یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیر کردن ورزشی آنها هستند و سازمان‌ها و دیگر عوامل جامعه‌پذیری به یک اندازه تأثیرگذار بودند. کارس و لیاتردال<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در تحقیق خود بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی دریافتند که دختران و پسران با حمایت اجتماعی پایین‌تر، شانس کم‌تری نسبت به دیگر همسالان خود برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی دارند. آنچه توجه سیج<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) را به خود جلب کرد، نقش و نفوذ عمیق مربی، هم‌تیمی‌ها و دوستان در فعالیت ورزشی بر ورزشکاران بود (صداقت‌زادگان، ۱۳۸۴: ۶۴). دولمان و لوئیس<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) در تحقیق خود دریافتند دخترانی که از سطوح پایین‌تری از حمایت کلامی و عاطفی از سوی والدین برای ورزش کردن برخوردار بوده‌اند، مشارکت کمی در ورزش داشته‌اند. کلایر و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۳)، در مطالعه مروری خود نشان دادند بین فعالیت بدنی کودکان و حمایت از سوی دوستان، همبستگی مثبتی وجود دارد. فردریک و اکلس<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) بیان کردند والدین با سه شیوه می‌توانند بر فرزندان‌شان تأثیرگذار باشند: اول اینکه والدین ممکن است نقش و الگوی سازنده‌ای مانند مربیگری را برای فرزندان ایفا کنند، یا خودشان در فعالیت‌های ورزشی شرکت کنند. دوم اینکه والدین تفاسیر و بیاناتی از تجربه خود راجع به شرکت در ورزش ارائه می‌دهند. سرانجام والدین، از طریق کمک و حمایت‌های اجتماعی فرزندان خود را برای هر تجربه دیگری آماده می‌کنند.

نتایج یک تحقیق که بر روی تعدادی از دوندگان انجام گرفت نشان داد که آنها عوامل اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری) و محیط اجتماعی را بالاتر از نقش‌های دیگر از جمله استعداد و توسعه مهارت‌های ورزشی خود برای دوندگی می‌دانستند (بیامون، ۲۰۱۰: ۲۸۷). یائو و رودز<sup>۶</sup> (۲۰۱۵) اشاره می‌کنند در دوره پیش از نوجوانی، نقش الگویی والدین در فعالیت‌های بدنی، نقش مهمی در تثبیت اجتماعی‌پذیری فعالیت‌های بدنی بازی می‌کند، اما رفته‌رفته در دوره نوجوانی و پس از آن نقش همسالان پررنگ‌تر می‌شود. در تحقیق فتحی (۱۳۸۸)، شش متغیر تأهل، جنسیت، احساس سودمندی، دسترسی به امکانات ورزشی، حمایت اجتماعی و

1. Kurc & Leatherdale
2. Sage
3. Dolman, Lewis
4. Claire et. al.
5. Fredricks & Eccles
6. Yao & Rhodes

علاقه به ورزش، بیشترین تأثیر را بر مشارکت ورزشی دانشجویان داشتند. پارسامهر (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود نشان داد در بین عوامل جامعه‌پذیری بر مشارکت دختران نوجوان در فعالیت‌های ورزشی، نقش دوستان با میزان مشارکت، همبستگی معناداری داشت، اگرچه این متغیر قادر به تبیین بخش زیادی از واریانس متغیر تحت مطالعه نبود. نتایج تحقیق هاشمی و مرادی (۱۳۸۹) نشان داد که میزان ورزشی بودن خانواده، حمایت خانواده از فعالیت‌های ورزشی، نگرش خانواده در مورد ورزش و میزان پذیرش ورزش در میان اعضای خانواده بر جامعه‌پذیری ورزشی افراد اثر مستقیمی دارد. در پژوهش هژبری و همکاران (۱۳۹۲)، اولویت نزدیکی که والدین دانش‌آموزان به درس تربیت بدنی در میان سایر دروس مدرسه داده بودند، نقش مهم والدین در جهت‌گیری نگرش فرزندان نسبت به فعالیت‌های جسمانی و درس تربیت بدنی را نشان می‌داد. در پژوهش شمسی و همکاران (۱۳۹۴) نیز متغیرهای خانواده، دوستان و همسالان با مشارکت ورزشی جوانان رابطه معناداری داشت که خانواده قوی‌ترین تأثیر را در تبیین توسعه مشارکت ورزشی آزمودنی‌ها داشت.



مرور پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد بیشتر تحقیقات صورت گرفته در ایران، در راستای تبیین جایگاه ورزش در میان جوانان و مزایا و منافع پرداختن به ورزش این قشر در اوقات فراغت بوده و توجه کمی به بررسی تأثیر هر یک از عوامل جامعه‌پذیری چون نقش خانواده، رسانه‌های جمعی، دوستان، همسالان، مدرسه و مربیان ورزشی بر توسعه مشارکت ورزشی جوانان داشته‌اند و در واقع متغیرهای اصلی جامعه‌پذیری که بر پذیرش فعالیت‌های ورزشی نوجوانان و جوانان تأثیر می‌گذارند، هنوز به‌طور کامل شناخته شده نیستند. اگرچه در تحقیق شمسی و همکاران (۱۳۹۴) ابعاد جامعه‌شناختی مؤثر بر مشارکت ورزشی به صورت کامل بررسی شده بودند، اما از نتایج قابل تأمل تحقیق یاد شده این بود که مدرسه به عنوان مهم‌ترین نهاد آموزشی، در توسعه مشارکت ورزشی آزمودنی‌ها نقشی نداشته که در این تحقیق این موضوع مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد شرایط فرهنگی - جغرافیایی هر استان نیز در جامعه‌پذیری ورزشی افراد مؤثر باشد.

با توجه به اینکه جامعه‌پذیری ورزشی، فراگردی است که به واسطه آن، فرد، دانش و آگاهی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در عرصه‌های ورزشی را کسب می‌کند، پس ایجاد هرگونه اختلال در این فرایند موجب بی‌تفاوتی نسبت به ورزش و عدم حضور آگاهانه جوانان در عرصه‌های ورزشی خواهد شد. بدیهی است که نتایج این تحقیق، کمک زیادی به شناخت عوامل و

مؤلفه‌های مهم اجتماعی تأثیرگذار بر گرایش و تمایل نوجوانان و جوانان ورزشکار شهر رشت به مشارکت در ورزش خواهد کرد. پس در این تحقیق تلاش شده است تا ابتدا ابعاد جامعه‌شناختی مؤثر بر مشارکت ورزشی جوانان بررسی شود و سپس مشخص شود هر یک از این ابعاد به چه میزان بر مشارکت ورزشی جوانان اثرگذارند؟

## روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی - پیمایشی است که به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ گردآوری داده‌ها میدانی است. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ورزشکار شهر رشت بوده که به صورت سازمان یافته در باشگاه‌ها و زیر نظر اداره ورزش و جوانان شهر رشت فعالیت داشتند، که طبق آمار اداره ورزش و جوانان شهرستان رشت، ۵۵۸۰۷ نفر به صورت سازمان یافته در این رده سنی فعالیت داشتند. بر اساس جدول مورگان، ۳۸۲ نفر جزو نمونه تحقیق قرار گرفتند که با احتساب احتمال نقص در تکمیل برخی پرسشنامه‌ها تعداد ۴۰۰ پرسشنامه توزیع و نهایتاً ۳۹۷ پرسشنامه کامل جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از تعیین حجم نمونه، بر اساس تعداد ورزشکاران هر رشته که در سطح شهرستان فعال بودند، نسبتی از حجم نمونه به آن رشته اختصاص داده شد، به نسبت جمعیت ورزشکار در هر رشته و با توجه به سطح فعالیت ورزشی، تعداد نمونه‌ها تخصیص یافتند، انتخاب باشگاه‌های مختلف هر رشته به صورت تصادفی انجام شد. از بین نوجوانان و جوانان ورزشکار حاضر در باشگاه‌های مذکور و پس از اطلاع یافتن از میزان فعالیت ورزشی آنها، به طور هدفمند و در دسترس تعدادی انتخاب و پرسشنامه در اختیار آنان قرار داده شد. بدین صورت افرادی که در یکسال گذشته حداقل سه جلسه در هفته، در رشته ورزشی شرکت کرده بودند به عنوان پاسخ دهنده به سؤالات پرسشنامه انتخاب شدند.

ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که با اقتباس از پرسشنامه‌های پارسامهر (۱۳۸۹) و شمسی (۱۳۹۰) طراحی شد و شامل سه بخش بود. بخش اول ویژگی‌های دموگرافیک (جنسیت، سن و وضعیت تأهل) را دربرمی‌گرفت، بخش دوم میزان فعالیت بدنی (مدت، تعداد جلسات و زمان انجام فعالیت بدنی) را اندازه‌گیری می‌کرد و بخش سوم شامل سؤال‌های تخصصی بود که دربردارنده ۳۱ گویه در شش عامل بود و عوامل جامعه‌پذیری در مشارکت ورزشی آزمودنی‌ها را به صورت طیف پنج‌گانه لیکرت بررسی می‌کرد. از آمارهای توصیفی و آزمون‌های «کولموگروف -



اسمیرنوف»، «فریدمن» و «ضریب همبستگی اسپیرمن» استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل و به کارگیری آزمون‌های فوق از نرم افزار SPSS استفاده شد.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج آزمون کالموگراف - اسمیرنوف برای بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌ها نشان داد که با توجه به سطح معنی دار به دست آمده در هر آزمون، فرض طبیعی بودن توزیع داده‌ها رد شده است. از این رو، در تجزیه و تحلیل فرضیات تحقیق از روش‌های آمار غیر پارامتریک استفاده شد (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج آزمون کالموگراف - اسمیرنوف

عوامل جامعه‌پذیری مشارکت	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	Z کالموگراف - اسمیرنوف	سطح معنی داری
نگرش خانواده نسبت به ورزش	۳/۰۳ $\pm$ ۰/۶۶	۲/۹۵	۰/۰۰۱
حمایت اعضای خانواده از ورزش کردن	۳/۰۲ $\pm$ ۰/۷۱	۱/۸۱	۰/۰۰۳
میزان ورزشی بودن اعضای خانواده	۲/۶۸ $\pm$ ۰/۶۲	۱/۷۴	۰/۰۰۴
اهمیت دادن مدرسه و معلمان به ورزش	۲/۷۷ $\pm$ ۰/۶۰	۲/۱۳	۰/۰۰۱
وجود همسالان یا دوستان ورزشی	۲/۸۹ $\pm$ ۰/۵۵	۱/۸۶	۰/۰۰۲
نقش رسانه‌ها در مشارکت افراد به ورزش	۲/۵۹ $\pm$ ۰/۵۳	۱/۶۳	۰/۰۰۹



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۱۸

دوره هشتم  
شماره ۳  
تابستان ۱۳۹۵

## یافته‌ها

ویژگی‌های دموگرافیک آزمودنی‌ها نشان داد توزیع آزمودنی‌های بر حسب جنسیت نسبتاً برابر بوده است (۵۷ درصد مرد و ۴۳ درصد زن). هم‌چنین دامنه سنی آزمودنی‌ها بین ۱۵ تا ۲۹ سال بوده است. از نظر سطح فعالیت ورزشی نیز ۴۱/۳ درصد در ورزش همگانی، ۳۲/۲ درصد در ورزش آموزشی، ۱۸/۴ درصد در ورزش قهرمانی و ۱۰/۱ درصد نیز در ورزش حرفه‌ای فعالیت داشتند که میانگین فعالیت بدنی آزمودنی‌ها، ۱۲۲۰/۶۳ دقیقه در ماه بود. این میزان، سطح مطلوبی از فعالیت بدنی را نشان می‌داد. با توجه به سطح معناداری و ضریب همبستگی اسپیرمن، بین کلیه ابعاد جامعه‌پذیری با توسعه مشارکت ورزشی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

## جدول ۲. رابطه ابعاد جامعه‌پذیری با توسعه مشارکت ورزشی

ابعاد	تعداد	همبستگی	جهت همبستگی	سطح معنی‌داری
حمایت اعضای خانواده	۳۹۷	۰/۶۳	مثبت	* ۰/۰۰۱
عامل میزان ورزشی بودن اعضای خانواده	۳۹۷	۰/۶۷	مثبت	* ۰/۰۰۱
عامل نگرش خانواده	۳۹۷	۰/۶۳	مثبت	* ۰/۰۰۱
عامل اهمیت دادن مدرسه و معلم به ورزش	۳۹۷	۰/۶۹	مثبت	* ۰/۰۰۱
عامل داشتن دوستان و همسالان ورزشکار	۳۹۷	۰/۶۵	مثبت	* ۰/۰۰۱
عامل رسانه‌های جمعی	۳۹۷	۰/۲۱	مثبت	* ۰/۰۰۱

$$P \leq ۰/۰۱ *$$

یافته‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که ریشه میانگین مربعات خطای برآورد برابر با ۰/۰۸ است. این مقدار در صورتی که بیشتر از ۰/۱ باشد، مدل نامناسب تشخیص داده می‌شود. با توجه به اینکه مقدار این خطا ۰/۰۸ به دست آمده است، برازش مدل مناسب است. همچنین مقدار شاخص نیکویی برازش و مقدار شاخص نیکویی اصلاح شده تقریباً برابر و بزرگ‌تر مساوی ۰/۹ است. سایر شاخص‌های برازش مدل نیز نشان می‌دهد که مدل نهایی تحقیق، از برازش نسبتاً خوبی برخوردار است (جدول ۳).

## جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی

شاخص	مقدار
GFI (شاخص نیکویی برازش)	۰/۹۲۴
AGFI (شاخص نیکویی برازش اصلاح شده)	۰/۹۰۰
NFI (شاخص برازش هنجار شده)	۰/۹۳
IFI (شاخص برازش افزایشی)	۰/۹۷
CFI (شاخص برازش تطبیقی)	۰/۸۱۴
RMSEA (ریشه میانگین مربعات خطای برآورد)	۰/۰۸
Chi-Squar (کای اسکوار)	۵۶/۸
Df (درجه آزادی)	۲۷

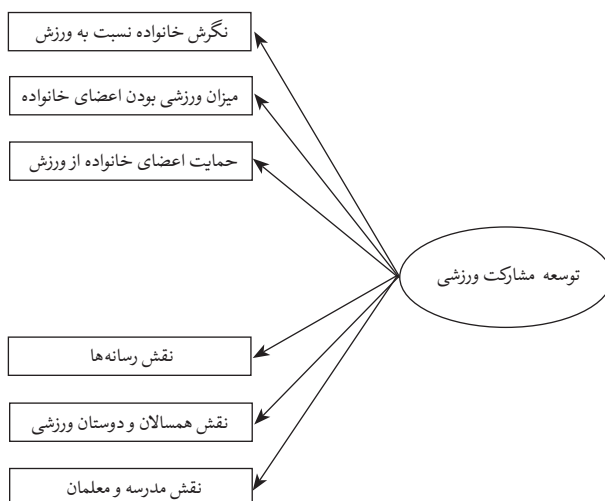
نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی نشان می‌دهد که پنج عامل ۱. اهمیت دادن مدرسه و معلمان به ورزش، ۲. وجود همسالان یا دوستان ورزشی، ۳. نگرش خانواده نسبت به ورزش،



۴. حمایت اعضای خانواده از ورزش کردن و ۵. میزان ورزشی بودن اعضای خانواده، بر توسعه مشارکت ورزشی جوانان تأثیر معنی داری دارند، اما عامل نقش رسانه ( $P=0/273$ ) بر توسعه مشارکت ورزشی جوانان تأثیر معنی داری ندارد. مدل نهایی تحقیق نتایج نشان داد وزن رگرسیونی سه عامل ۱. میزان ورزشی بودن اعضای خانواده، ۲. حمایت اعضای خانواده از ورزش کردن و ۳. اهمیت دادن مدرسه و معلمان به ورزش به ترتیب برابر با ۰/۸۹، ۰/۸۰، و ۰/۶۲ است که بیشترین ضریب تأثیر را داشتند. ضریب تأثیر رگرسیونی سایر عوامل به ترتیب ۰/۳۷ برای عامل وجود همسالان یا دوستان ورزشی و ۰/۳۰ برای عامل نگرش خانواده نسبت به ورزش شد که نسبت به سه عامل دیگر کم بود، اما به لحاظ آماری معنی دار بودند (جدول ۴).

جدول ۴. ضرایب رگرسیون در مدل اندازه‌گیری عوامل جامعه‌پذیری در توسعه مشارکت ورزشی

وزن رگرسیونی استاندارد	برآورد غیراستاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی داری	عوامل جامعه‌پذیری
۰/۶۲	۱/۰۰۰	-	-	-	اهمیت دادن مدرسه و معلمان به ورزش
۰/۳۷	۰/۶۷۸	۰/۱۶۸	۴/۰۴۳	۰/۰۱	وجود همسالان یا دوستان ورزشی
۰/۱۰	۰/۱۶۴	۰/۱۵۰	۱/۰۹۵	۰/۲۷۳	نقش رسانه‌ها
۰/۳۰	۰/۴۷۱	۰/۱۴۰	۳/۳۵۶	۰/۰۱	نگرش خانواده نسبت به ورزش
۰/۸۰	۱/۳۳۷	۰/۱۷۶	۷/۵۹۰	۰/۰۱	حمایت اعضای خانواده از ورزش کردن
۰/۸۹	۱/۹۰۴	۰/۲۴۹	۷/۶۴۶	۰/۰۱	میزان ورزشی بودن اعضای خانواده



شکل ۱. بار عاملی هر یک از ابعاد جامعه‌پذیری در مشارکت ورزشی





## بحث و نتیجه‌گیری

جامعه‌پذیری ورزشی، فرایندی است که به واسطه آن فرد، دانش و آگاهی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در عرصه‌های ورزشی را کسب می‌کند، لذا شناخت عواملی که در این فرایند اثرگذارند می‌تواند به پیشرفت مداخلات مؤثر برای پذیرش و تداوم فعالیت‌های ورزشی و ادامه زندگی فعال کمک کند. نتایج تحقیق حاضر نشان داد کلیه ابعاد جامعه‌پذیری با توسعه مشارکت ورزشی آزمودنی‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. در مدل اندازه‌گیری عوامل جامعه‌پذیری در توسعه مشارکت ورزشی، میزان ورزشی بودن اعضای خانواده، حمایت اعضای خانواده و نقش مدرسه به ترتیب با ۰/۸۹، ۰/۸۰ و ۰/۶۲، بالاترین ضریب رگرسیون را به خود اختصاص دادند. سانز و همکارانش<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، پارسامهر (۱۳۸۹)، هاشمی و مرادی (۱۳۸۹) و شمسی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در تحقیقات خود به نقش خانواده در جامعه‌پذیری ورزشی فرزندان اشاره کرده‌اند. از نظر مسنر<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) نیز بیشتر ورزشکاران دارای برادر، پدر، عمو و دوستان خانوادگی نزدیکی بوده که در ورزش موفق بوده‌اند. محیط خانوادگی اغلب مهم‌ترین پایگاه به شمار می‌آید که در میزان انگیزه، گرایش به فعالیت‌های جسمانی، انتخاب نوع رشته‌های ورزشی، میزان فعالیت‌های ورزشی و حضور در میادین ورزشی و مسابقات اثرات مهم دارد. در ارتباط با نقش بسزای خانواده در مشارکت ورزشی افراد ثابت شده افرادی که از حمایت عاطفی و کلامی کم‌تری از طرف اعضای خانواده خود برخوردار بودند، میزان جامعه‌پذیری آنها در ورزش نسبت به افراد دیگر کم‌تر بوده است (دولمان و لوئیس، ۲۰۱۰: ۳۱۹). نتایج مطالعات پیشین نشان می‌دهد که از تأثیر والدین بر توسعه فعالیت‌های بدنی حمایت به عمل آمده است. نظریه کنترل یا نظارت اجتماعی، رفتار نوجوانان و جوانان را بر اساس میزان تعلقات آنها به نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند خانواده تبیین می‌کند. در این مقاله می‌توان گفت که افراد از اعضای خانواده خود در امر مشارکت در فعالیت‌های ورزشی تقلید کرده و از آنها به عنوان الگو در این مشارکت نام برده‌اند. خانواده به خاطر گستره و عمق تأثیراتی که بر فرد در طول زندگی دارد، از جایگاه مهمی در فرایند جامعه‌پذیری برخوردار است (هاشمی و مرادی، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

با توجه به نتایج این تحقیق پس از نقش خانواده، دوستان و همسالان بر افزایش میزان مشارکت ورزشی افراد نقش بسزایی دارند. یافته‌های وارکینز و شاین (۲۰۰۶)، وحید و همکاران



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۲۱

رابطه بین برخی عوامل  
جامعه‌پذیری با ...

1. Sanz et al.
2. Messner



(۱۳۸۵)، پارسامهر (۱۳۸۹) و شمسی و همکاران (۱۳۹۴) نیز این نتایج را تأیید می‌کنند. با نزدیک شدن به دوره نوجوانی، تأثیر خانواده کم‌رنگ شده و تأثیر گروه همسالان افزایش می‌یابد. ایجاد پیوندهای محکم و قوی با گروه همسالان اولین گام بسیار مهم در استقلال نوجوانان و جوانان است. دوستان خاص و بعضی بزرگسالان با نفوذی که خارج از خانواده دارند، نقش مهمی در روند اجتماعی شدن نوجوانان و جوانان ایفا می‌کنند. مشاوره با همسالان و الگو قرار دادن رفتارهای پیشکسوتان مورد احترام، اغلب از الگوهای تأثیرگذار برای ایجاد تغییرات رفتاری در این سنین به‌شمار می‌رود. با توجه به نتایج به‌دست آمده، می‌توان اذعان کرد که برای افزایش میزان مشارکت افراد در سنین نوجوانی و جوانی در فعالیتهای ورزشی می‌توان از نقش دوستان به منزله یکی از متغیرهای مهم در کنار سایر متغیرهای اجتماعی و فردی سود جست. تحقیقات نشان داده است که افراد در سنین نوجوانی حدود ۴۰ درصد از وقتشان را با دوستان خود می‌گذرانند. در واقع صرف وقت با دوستان و همسالان، تعلق خاطر به گروه در میان آنان به وجود می‌آورد. گروه‌های هم‌سن و سال در تصمیم‌گیری درباره مسائلی از قبیل اینکه با چه کسی ارتباط برقرار کنند، از چه کسی کمک بگیرند و چه فعالیتی را انجام دهند، به افراد یاری می‌رسانند. به دلیل ویژگی همگانی که در فعالیت بدنی و ورزش وجود دارد، بازخورد و قضاوت‌های دوستان و همسالان به شکل برجسته‌ای در شکل‌دهی معیارهای قضاوت افراد تأثیرگذار می‌شود.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد مدرسه و معلم با ۶۲/۰٪ وزن رگرسیونی، تأثیر نسبتاً بالایی بر مشارکت ورزشی جوانان دارد. این نتیجه مطابق با یافته‌های پارسامهر (۱۳۸۹) بوده که از عامل مدرسه و معلم ورزش به‌عنوان یک عامل اثرگذار در توسعه مشارکت ورزشی افراد و به تبع آن جامعه پذیر شدن در ورزش نام برده است. البته در تحقیق شمسی و همکاران (۱۳۹۴)، مدرسه نقشی در جامعه‌پذیری ورزشی آزمودنی‌ها نداشت. در واقع آموزش و پرورش، مترادف با جامعه‌پذیری است، یعنی فرایندی که افراد از طریق آن به یادگیری نقش‌ها، قواعد، روابط و به‌طور کلی، فرهنگ جامعه خود می‌پردازند. از نظر وبر (مدرسه و آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از گروه‌های اساسی که هر فرد در طی زندگی خود با آن روبه‌رو می‌شود، نقش مهمی در آشناسازی مردم با این ارزش‌ها و قواعد ایفا می‌کند) کارس و لیا تر دال، (۲۰۰۹: ۶۲). از آنجا که مهم‌ترین کارکرد مدرسه در بخش تعلیم و تربیت افراد تعریف شده، این نکته اهمیت می‌یابد که علاوه بر ساختارهای فراهم شده در مدارس که شامل سیستم‌ها و ملزومات آموزشی است، فرهنگ حاکم



بر محیط مدارس نیز می‌تواند در به نتیجه رسیدن فرایندها و برنامه‌های آموزشی اثرگذار باشد (احمدپورارده جانی و فلاحتی، ۱۳۹۱: ۱۶۰). با توجه به این مسئله، معلمان و مربیان ورزشی و در رأس آن مدارس نیز در حوزه آموزش و تربیت بدنی، می‌توانند نقش اساسی در مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی داشته باشند. کمیت و کیفیت بازخورد مربیان ورزشی می‌تواند منجر به نتایج مثبت برای افراد شود. مربیانی که برای رفتار مطلوب (سعی، تلاش و تکنیک) از تشویق بهره می‌گیرند، سبب دستیابی افراد به سطح بالاتری از درک قابلیت، لذت و ادامه بازی در فعالیت‌های مربوطه می‌شوند. در واقع در میان نهادهایی که وظیفه جامعه‌پذیری را بر عهده دارند، مدارس از سرمایه‌های بی‌بدیلی برخوردارند، زیرا اکثر افراد، وقت قابل توجهی از زندگی خود را در مدرسه می‌گذرانند و علاوه بر فراگیری علم و دانش، شخصیت خود را نیز در ابعاد روحی، عقلی و اجتماعی رشد می‌دهند و هویت و استقلال فرهنگی خود را باز می‌یابند. از این رو به نظر می‌رسد پس از خانواده که اساس برخی عادات و رفتارها در آن شکل می‌گیرد، رفته‌رفته اهمیت مدرسه در یاددهی اجتماعی و شکل‌پذیری شخصیتی افراد گسترش می‌یابد. در واقع مدرسه به عنوان محیطی بزرگ‌تر و از نظر کارکردی حجیم‌تر، به مراتب کارکردی بیشتر از خانواده در جامعه‌پذیری افراد به خود اختصاص خواهد داد. شاید استفاده از نیروهای متخصص تربیت بدنی در سال‌های اخیر مدارس توانسته باشد الگوهای درست حرکتی و مهارت‌های ورزشی را به افراد شناسانده باشد و افراد در خود توانایی بالاتر، لذت بیشتر و تمایل به ادامه فعالیت در ورزش مورد نظر پیدا می‌کنند.

در نهایت، نتایج تحقیق حاضر نشان داد رسانه‌های جمعی نتوانسته‌اند در توسعه و افزایش مشارکت ورزشی جوانان تأثیر معناداری داشته باشند (وزن رگرسیون  $0/1$ ). این یافته با نتایج تحقیق شمسی و همکاران (۱۳۹۴) هم‌خوانی دارد. تأمل در نتایج حاصل از این فرضیه، ما را متوجه این مسئله می‌سازد که رسانه‌های جمعی هر چند بر روی تغییر نگرش افراد نسبت به مزایای ورزش و فعالیت‌های ورزشی می‌توانند تأثیرگذار باشند، اما از کارکردهای لازم جهت نهادینه‌سازی، تغییر رفتار افراد و گرایش آنها به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی برخوردار نیستند. رسانه‌ها به لحاظ دارا بودن دامنه نفوذ وسیع، اثر مستقیمی بر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دارند و می‌توانند در تغییر آگاهی‌ها و نگرش‌های جامعه نقش به‌سزایی ایفا کنند. اما با توجه به نتیجه این تحقیق، رسانه‌های جمعی به اشاعه باورهای مطلوب و ترویج یا بازتولید ارزش‌های متناسب به امر توسعه ورزش در جامعه آن‌طور که باید و شاید نپرداخته‌اند و از سوی دیگر، اثرگذاری لازم

به منظور شکل‌گیری قوانین و مقررات محرک و مشوق ورزش و اشاعه آن در جامعه را ندارند. مسئولان ورزشی و رسانه‌ای باید به مقوله آموزش به عنوان سلاحی تأثیرگذار در بسط و گسترش فرهنگ ورزش بنگرند. بنابراین در این راستا باید برنامه‌هایی تهیه شده و به معرض نمایش درآید که در جهت ارتقای سطح معلومات و دانش عمومی مردم نسبت به مقوله ورزش باشد و نقش آن را در افزایش و حفظ سلامتی به درستی نشان دهد.

از آن جا که دوران نوجوانی و جوانی، مهم‌ترین دوره شکل‌گیری عادات و رفتارهای سالم و پیش گرفتن سبک زندگی سالم از نظر جسمانی است، شناخت عواملی که بر نهادینه شدن این عادات اثرگذارند ضروری به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد زمانی افراد جامعه به ورزش و فعالیت‌های جسمانی روی می‌آورند که تحت تأثیر فرایندهای جامعه‌پذیری، در ورزش نیز جامعه‌پذیر شده باشند. این کار مستلزم آگاه کردن خانواده، مدرسه، رسانه و همه نهادهای اثرگذار است. با توجه به نتایج این تحقیق، رسانه‌ها باید در کارکردهای خود به صورت جدی بازنگری کرده و رسالت خود در ایجاد جامعه سالم را به درستی به انجام برسانند.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۲۴

دوره هشتم  
شماره ۳  
تابستان ۱۳۹۵

## منابع

- احمدپور ارده جانی، مزگان؛ فلاحتی، لیلا (۱۳۹۱). مطالعه میان رشته‌ای: رابطه جو سازمانی (باز و بسته) مدارس بروضعیت سلامت روان و شخصیت هنرآموزان هنرستان‌ها. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۴(۴)، ۱۶۲-۱۴۵. <http://dx.doi.org/10.7508/isih.2012.16.006>
- پارسامهر، مهربان (۱۳۸۹). نقش عوامل جامعه‌پذیری بر مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی با تأکید بر نقش دوستان. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۰۴، ۱۵۶-۱۳۹.
- شمسی، عبدالحمید؛ سلطان حسینی، محمد؛ روحانی، میثم (۱۳۹۴). تبیین نقش عوامل جامعه‌پذیری در توسعه مشارکت ورزشی جوانان: مطالعه موردی: شهر اصفهان. مطالعات مدیریت ورزشی، ۲۸، ۸۸-۷۱.
- صداقت زادگان، شهناز (۱۳۸۴). جامعه‌پذیری از طریق ورزش. المپیک، ۴(۳۲)، ۷۱-۶۱.
- فتحی، سروش (۱۳۸۸). تبیین جامعه‌شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان. پژوهش نامه علوم اجتماعی، ۳(۴)، ۱۷۳-۱۴۵.
- وحید، فریدون؛ عریضی، فروغ؛ پارسامهر، مهربان (۱۳۸۵). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی: مطالعه موردی زنان استان مازندران. فصلنامه علوم حرکتی و ورزش، ۷، ۶۲-۵۳.
- هاشمی، سیدضیاء؛ مرادی، رامین (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در جامعه‌پذیری ورزشی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۱(۴)، ۱۶۸-۱۴۳.
- هزبری، کاظم؛ رمضان‌نژاد، رحیم؛ همتی‌نژاد، مهرعلی (۱۳۹۲). بررسی اولویت درس تربیت بدنی در میان سایر دروس مقطع راهنمایی. دوفصلنامه مدیریت و توسعه ورزش، ۲(۳)، ۸۹-۷۳.
- Beamon, K. K. (2010). Are sports overemphasized in the socialization process of African American males? A qualitative analysis of former collegiate athletes' perception of sport socialization. *Journal of Black Studies*, 41(2), 281-300. <http://dx.doi.org/10.1177/0021934709340873>
- Dolman, J., Lewis, N. (2010). The impact of socioeconomic position on sport participation among South Australian youth. *Journal of Science and Medicine in Sport*, 13(3), 318-322. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jsams.2009.04.007>
- Fredricks, J. A., & Eccles, J. S. (2005). Family socialization, gender, and sport motivation and involvement. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 27(1), 3-31. <http://dx.doi.org/10.1123/jsep.27.1.3>
- Kurc, A. R., Leatherdale, S. T. (2009). The effect of social support and school and community-based sports on youth physical activity. *Canadian Journal of Public Health / Revue Canadienne de Santé Publique*, 100(1), 60- 64.
- Maturo, C. C., & Cunningham, S. A. (2013). Influence of Friends on Children's Physical Activity: A Review. *American Journal of Public Health*, 103, 7, 23- 38. <http://dx.doi.org/10.2105/AJPH.2013.301366>
- Messner, M. A., Darnell, H., & Michele, D. (1999). *Boys to men: Sports media messages about masculinity*. Oakland, Calif: Children Now.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۲۵

رابطه بین برخی عوامل  
جامعه‌پذیری با ...

- Sanz-Arazuri, E., Ponce-de-Leon, E., Valdemoros, S.E., & Maria, A., (2012). Parental predictors of physical inactivity in Spanish adolescents. *Journal of Sports Science & Medicine*, 11(1), 95-101.
- Warkins, J.L., & Shiness, K. J. (2006). The socialization process for women with disabilities: The impact of agents on the introduction to an elite sport. *Journal of Leisure Research*, 38(3): 421- 444.
- Yao, C., & Rhodes, R., (2015). Parental correlates in child and adolescent physical activity: a meta-analysis, *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 12(10): 1- 38. <http://dx.doi.org/10.1186/s12966-015-0163-y>



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۲۶

دوره هشتم  
شماره ۳  
تابستان ۱۳۹۵